

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره یکم، پاییز ۱۴۰۰: ۱۵۲-۱۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲

نوع مقاله: پژوهشی

استفاده از مسیرهای جانبی:

استراتژی‌های زنان در مواجهه با محدودیت‌های گردشگری

* حامد بخشی

** فاطمه عطری

چکیده

مقاله حاضر به بررسی تفاوت تجربه گردشگری زنان و مردان، به عنوان جنبه‌ای از اوقات فراغت پرداخته است. چهار دسته محدودیت‌های هنجاری، وظایف نقش‌ی زنانه، ضعف اقتصادی و نداشتن احساس امنیت موجب می‌شود تا زنان در تنظیم برنامه گردشگری خود متفاوت از مردان عمل کنند. برای این منظور، داده‌های پیمایش ملی ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارشناسی گردشگری ایران، با حجم نمونه ۵۰۰۹ نفر از کل استان‌های کشور، تحلیل ثانویه شد. مبتنی بر ادبیات تحقیق، هشت فرضیه درباره انگیزه سفر، اقدام به سفر، انتخاب اقامتگاه، وسیله نقلیه و تور گردشگری میان زنان و مردان مقایسه شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که زنان در سفرهای تنهایی یا با دوستان خود، بیشتر از تورهای گردشگری استفاده می‌کنند؛ کمتر از خودروی شخصی استفاده می‌کنند؛ کمتر به قصد تفریح و بیشتر با هدف زیارت سفر می‌کنند. همچنین زنان تنها بیشتر به قصد دیدار اقوام خود به سفر می‌روند و در سفرهای با دوستان خود کمتر در چادرهای مسافرتی بیتوته می‌کنند. هرچند زنان کمتر از مردان، تنهایی یا با دوستان خود به سفر رفته بودند، میزان سفرهای داخلی زنان با مردان تفاوت معنی‌داری نداشت؛ زیرا سفرهای با خانواده آنها بیش از مردان بود. همچنین هرچند تعداد سفرهای خارجی زنان کمتر از مردان بود، تعداد سفرهای خارجی زنان شاغل با مردان، تفاوت معناداری نداشت.

* نویسنده مسئول: دانشیار گروه جامعه‌شناسی گردشگری، سازمان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، پژوهشکده گردشگری، ایران

h.bakshi@acecr.ac.ir

** کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، سازمان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، پژوهشکده گردشگری، ایران

fatemeh.atr@gmail.com



به نظر می‌رسد که علی‌رغم محدودیت‌های جدی در کیفیت تجربه گردشگری زنان نسبت به مردان، آنان با استفاده از گریزگاه‌های ساختاری و هنجاری جامعه توانسته‌اند به لحاظ کمی، تجربه گردشگری برابری را با مردان برای خود رقم بزنند.

واژه‌های کلیدی: گردشگری، سفر، زنان، جنسیت، محدودیت‌های اوقات فراغت و تحلیل ثانویه.

مقدمه

علی‌رغم تأثیر منفی همه‌گیری کووید-۱۹ بر گردشگری، این صنعت به عنوان یک عنصر جدی و جدایی‌ناپذیر از زندگی مردم عصر حاضر مطرح است. به همین خاطر قابل پیش‌بینی است که با مرتفع شدن عوامل و علل خارجی، همچون بیماری‌های واگیردار و رکود اقتصادی، گردشگری مجدداً سهم جدی در سبک زندگی و سبب اقتصادی خانوارها داشته باشد. با این حال این آمار جدای از گردشگری داخلی است که بخش زیادی از جمعیت جوامع مختلف را درگیر خود می‌کند. مبتنی بر یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارشناسی گردشگری ایران، در یک‌ساله منتهی به اکتبر ۲۰۱۷، هشتاد درصد مردم ایران لاقلاً یک سفر گردشگری داخلی داشته‌اند. در مقابل تنها شش درصد از آنان در طول عمر خود، هیچ سفر گردشگری با اقامت شبانه را تجربه نکرده‌اند. بسیاری از پژوهش‌های حوزه گردشگری، به رفتار و نگرش گردشگران در سفر اختصاص یافته و کمتر به تمایزات و تفاوت‌های میان سنخ‌های مختلف گردشگران پرداخته است. از جمله این تمایزها، تفاوت زنان و مردان در رفتارهای گردشگری است. به نظر می‌رسد جدا از اینکه چنین ادراکات و رفتارهایی در گردشگری بین زنان و مردان متفاوت است (تفاوت بین‌جنسیتی)، در میان زنان نیز برحسب ویژگی‌های زمینه‌ای مختلف، تفاوت‌های زیادی وجود دارد که زنان را با انواع مختلفی از محدودیت‌های اوقات فراغت مواجه می‌کند.

شاو^۱ (۱۹۹۴) معتقد است که زن یا مرد بودن ممکن است به‌خودی‌خود محدودیتی برای اوقات فراغت نباشد؛ بلکه روشی که جنسیت فرد در جامعه با آن تعریف و تجربه می‌شود، شرایطی را ایجاد می‌کند که به نوبه خود ممکن است محدودکننده تلقی یا تجربه شود. در واقع زنان به واسطه موقعیت نابرابر در عرصه‌های فضایی و اجتماعی با مردان، تجارب مختلفی از اوقات فراغت به طور عام و گردشگری به عنوان نوع خاصی از گذران اوقات فراغت دارند.

محدودیت‌های اجتماعی زنان به لحاظ هنجاری، احساس ناامنی مزمن آنان در فضاهای مردانه، مسئولیت‌های نقشی خانوادگی به مثابه همسر و مادر، همگی باعث

می‌شود تا زنان، محدودیت‌های بیشتری نسبت به مردان در انتخاب نوع فراغت گردشگری، میزان بهره‌مندی و درگیری در فراغت‌های گردشگری و نیز احساسات و ادراکات همراه با سفر گردشگری داشته باشند.

مقاله حاضر، با نظر به چنین واقعیتی، به بررسی تفاوت‌های ادراکی، تصمیم‌گیری و تجربه زیسته زنان و مردان درباره سفرهای گردشگری پرداخته و در گام بعدی، با توسعه نظریه محدودیت‌های اجتماعی و فضایی به پایگاه اجتماعی و موقعیتی زنان، این تفاوت‌ها را درون زنان با پایگاه‌های اجتماعی متفاوت (متاهل یا مجرد، شاغل یا خانه‌دار و...) بررسی می‌کند. بر این اساس این مقاله می‌خواهد به پرسش زیر پاسخ دهد که: زنان در تجربه سفر خود با چه تجارب محدودکننده‌ای مواجه هستند و چه راهبردهایی برای سازگاری با آن و جبران این محدودیت‌ها اتخاذ نموده‌اند؟

پیشینه تحقیق

زنان و اوقات فراغت

بررسی‌های جنسیتی در حوزه گردشگری زنان، زیرمجموعه مطالعات وسیع‌تری است که به تفاوت‌های جنسیتی درباره گذران اوقات فراغت پرداخته است. در این رابطه، «محدودیت‌های فراغتی» زنان بخش گسترده‌ای از ادبیات این حوزه را تشکیل داده است. منظور از محدودیت‌های فراغتی، هر آن چیزی است که ترجیحات، مشارکت، یا لذت بردن فرد از اوقات فراغت را محدود می‌کند (Jackson & Henderson, 1995). مطالعات متعددی نشان می‌دهد که زنان به علل مختلف با محدودیت‌های جدی در گذران اوقات فراغت خود به طور عام و تجربه گردشگری به طور خاص مواجه‌اند. معمولاً این عوامل محدودکننده اوقات فراغت در سه دسته درون‌فردی، بین‌فردی و ساختاری طبقه‌بندی می‌شوند (Crawford & Godbey, 1987). منظور از عوامل درون‌فردی محدودکننده تجربه گردشگری، خصلت‌ها و ویژگی‌های درونی فرد است که انتخاب‌های او را از درون محدود می‌کند؛ نظیر ترس‌ها و نگرش‌ها و باورهای فرد نسبت به یک فعالیت یا تجربه خاص. محدودکننده‌های بین‌فردی^۱ به شیوه‌ها و ویژگی‌های روابط اجتماعی فرد با دیگران

1. Interpersonal

اشاره دارد که او را از مشارکت در فعالیت‌های خاص بازمی‌دارد. عوامل محدودکننده ساختاری نیز به ویژگی‌هایی نظیر فاصله جغرافیایی، هزینه‌ها و تابوهای فرهنگی نسبت به یک فعالیت یا تجربه خاص اشاره دارد (Crawford et al, 1991). با این حال برخی معتقدند که محدودیت‌های ساختاری تنها بر نوع فعالیت افراد تأثیر می‌گذارد، اما نمی‌توان آن را مانع کلی در این زمینه دانست. این محدودیت‌ها پیش از آنکه مانعی برای فعالیت‌های فراغتی باشد، شکل یا ماهیت فعالیت‌های یادشده را تغییر می‌دهد (Samdahl & Jekubovich, 1997).

یکی دیگر از موانعی که مورد توجه اندیشمندان در این زمینه قرار گرفته است، موانع محیطی است. منظور از موانع محیطی، آن دسته از عوامل است که آسایش جسمی و روانی افراد را در محیط بیرونی تحت تأثیر قرار می‌دهد. احساس امنیت، در دسترس بودن خدمات و امکانات و... از جمله عواملی است که نبودشان، نوعی مانع محیطی محسوب می‌شود (رضایی خرم‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۸). گردشگری از آنجا که شامل یک جابه‌جایی جغرافیایی از محل مألوف فرد به مکانی دیگر است، می‌تواند هر سه دسته این محدودیت‌ها را برای فرد به همراه داشته باشد (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸).

نظریه پردازان فمینیست معتقدند که حوزه مطالعات فراغت با در نظر گرفتن موقعیت مردان در جامعه تعریف و تحلیل شده است و به دلایل مختلف، ساختار مردمحور جامعه را بازنمایی می‌کند. آنها معتقدند که اوقات فراغت برای زنان و مردان، معانی متفاوتی دارد. در تعاریفی که از اوقات فراغت ارائه شده است، از تجربه روزانه زنان غفلت شده است. اوقات فراغت، زمانی است که پس از انجام وظایف با حقوق در اختیار فرد قرار می‌گیرد، اما این مفهوم برای زنان که مسئولیت رسیدگی به امور خانه و فرزندانشان را به طور تمام‌وقت برعهده دارند، چندان معنادار نیست. برای مثال تفکیک کار و فراغت و یا رهایی از نقش‌های شغلی در حین فراغت، برای زن خانه‌دار که در حین کار در خانه ممکن است به تماشای تلویزیون بپردازد و یا مادری که حتی هنگامی که با خانواده یا تنها به گردش می‌رود، از وظایف نقشی خود جدا نیست، نمی‌تواند کاربرد داشته باشد. نظریه‌پردازان فمینیست برای رفع این مسائل با بهره‌گیری از نظریه‌های متنوع فمینیستی درصدد تعریف فراغت و تحلیل آن از دیدگاهی زنانه برآمده و تلاش می‌کنند تا منافع زنان را از این راه تأمین کنند. آنها مسئله نابرابری‌های جنسیتی فراغت را تحت

چهار مقوله اشتغال دستمزدی، کارهای خانه، رفتار جنسی و خشونت مطرح می‌کنند (روجک، ۱۳۹۳). دیم^۱، محدودیت‌های فراغتی زنان را در چهار حوزه دسته‌بندی می‌کند: محدودیت‌های ذاتی جامعه که از طریق آموزش، اجتماعی کردن و رسانه، ساختار و روابط قدرت تثبیت می‌شود؛ محدودیت‌های ذاتی موقعیت‌های زنان مانند خانواده، روابط با همسر و...؛ محدودیت‌های مربوط به مدیریت فراغت که از طریق تدارک‌بینندگان فراغت اعمال می‌شود؛ و محدودیت‌هایی که بر اثر انگارش‌های زنان نسبت به خود به وجود می‌آید (هی‌وود، ۱۳۸۰).

هرچند زنان در سال‌های اخیر، انتخاب‌ها و آزادی‌های بیشتری در حوزه گردشگری به دست آورده‌اند، با این حال مصارف و تجربه‌های گردشگری آنان به‌واسطه موقعیت اجتماعی آنان به عنوان یک زن، محدودیت‌هایی دارد. ویلسون و لیتل (۲۰۰۵)، محدودیت‌های گردشگری زنان به طور خاص را در چهار دسته محدودیت‌های اجتماعی - فرهنگی، شخصی، عملی و فضایی دسته‌بندی کرده‌اند. در قالب دسته‌بندی‌های یادشده، عوامل محدودکننده اوقات فراغت و گردشگری (به مثابه گونه‌ای از گذران اوقات فراغت) برای زنان مطرح شده است. این محدودیت‌ها، برخی ناظر به ویژگی‌های درون‌فردی زنان به دلیل موقعیت و محدودیت‌های فیزیکی آنان است؛ برخی ناشی از جامعه‌پذیری جنسیتی و هنجارهای اجتماعی مردانه است و برخی دیگر، ناشی از روابط زنان با مردان و فضاهای گردشگری در جامعه است.

احساس امنیت

ادراک یا احساس امنیت، یکی از کلیدی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر گردشگری یک مقصد است. سازمان جهانی گردشگری، ایمنی و امنیت را برای تأمین کیفیت گردشگری، حیاتی دانسته است (UNWTO, 1996). بیرمن (۲۰۰۳)، احساس امنیت را از تعیین‌کننده‌های اصلی تصمیم سفر به مقصد عنوان می‌کند. احساس امنیت، مقوله‌ای متفاوت از امنیت عینی یا واقعی است که ممکن است به عللی همچون دانش کافی یا

1. Deem
2. Wilson & Little
3. Beirman

نادرست، احساس آسیب‌پذیری و نظایر آن با امنیت واقعی تناسبی نداشته باشد (Mawby et al, 2000؛ بخشی، ۱۳۹۴). آنچه از آن به عنوان «تضاد ترس» یاد می‌کنند، به معنای همین متناسب نبودن امنیت واقعی با احساس امنیت است؛ هرچند زنان کمتر از مردان، قربانی جرم و جنایت هستند، با این حال احساس خطر بیشتری نسبت به مردان دارند (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸).

فقدان احساس امنیت، از جمله عوامل درون‌فردی است که فرد را به سمت محدودیت تجربه گردشگری خود وامی‌دارد. عدم احساس امنیت می‌تواند ناشی از تجربه مستقیم آزار یا مزاحمت توسط زنان و یا اطلاع از آن توسط دیگری (اعم از فرد یا رسانه) باشد. بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد که عدم احساس امنیت از جمله کلیدی‌ترین عوامل محدودکننده تجربه گردشگری زنان به شمار می‌رود (Chiang & Gogaratnam, 2006؛ Seow & Brown, 2018؛ Karagöz et al, 2021). براون و همکاران (۲۰۲۰) نشان داده‌اند که تجربه قدم زدن گردشگران زن تنها به واسطه احساس آسیب‌پذیری و خطرات احتمالی، به‌ویژه در شب‌ها و مکان‌های خلوت محدود می‌شود. به گزارش امیر و همکاران (۲۰۱۵)، احساس امنیت گردشگران زن در خیابان‌های کوالالامپور از ۹۹ درصد در روز به ۱۵ درصد در شب کاهش می‌یابد. به همین خاطر عمدتاً زنان ترجیح می‌دهند اوقات فراغت و به طور خاص سفر را با همراه سپری کنند. ترس از کیف‌قاپی، مزاحمت‌های اخلاقی، آسیب‌های بدنی، تصادف و نظایر آن، از مواردی است که زنان گردشگر با آنها مواجه می‌شوند. با این حال جمال خان و همکاران (۲۰۱۹) نشان داده‌اند که انگیزه سفر در گردشگران زنی که تنها سفر می‌کنند، می‌تواند رابطه میان ریسک ادراک‌شده و تصمیم به بازدید از مقصد را تضعیف کند.

در ایران مطالعات متعددی به تأثیر احساس امنیت به عنوان یکی از عوامل محدودکننده حضور زنان در فضاهای عمومی اشاره کرده‌اند (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸؛ شکرپیگی و رادین، ۱۳۹۵). برای مثال، عبدلی و همکاران (۱۳۹۳) نشان داده‌اند که میزان احساس امنیت گردشگران زن شهر اصفهان به طور معنی‌داری کمتر از گردشگران مرد این شهر است.

محدودیت‌های هنجاری

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر محدود نمودن اوقات فراغت زنان، «محدودیت‌های هنجاری» است که طی سال‌ها بر زنان تحمیل شده و بخشی از انتظارات نقشی زنان در جایگاه‌های مختلف به شمار می‌رود. منظور از محدودیت‌های هنجاری این است که جامعه، برخی از فعالیت‌ها را برای زنان نامطلوب می‌داند و زنان را از انجام آن باز می‌دارد؛ به طوری که زنان با انجام آن با فشار اجتماعی مواجه می‌شوند. در ساختار جامعه سنتی و پدرسالار از زنان انتظار می‌رود که فرمان‌بردار نظام قدرت مردانه باشند (Ratthinan & Selamat, 2019) و در نتیجه با محدودیت‌های جدی هنجاری برای گذاران اوقات فراغت و گردشگری مواجه‌اند. زنان به دلیل این محدودیت‌های اجتماعی، اوقات فراغت‌های خود را متناسب با خواست خانواده و در سطح کلان‌تر، جامعه تطبیق می‌دهند و بدین ترتیب از بسیاری از فعالیت‌هایی که برای مردان مجاز است، محروم می‌شوند (Jackson & Henderson, 2015). از این‌رو زنان گردشگر همواره مجبورند با این ایدئولوژی که به لحاظ اجتماعی تنها سفر کردن زنان پذیرفته نیست، مقابله کنند. این محدودیت‌ها در روند جامعه‌پذیری، تبدیل به کلیشه‌های ذهنی می‌شود که علاوه بر مردان، بر ذهنیت زنان نیز تأثیر می‌گذارد. در این شرایط، زنان به نوعی با محدودیت ذهنی مواجه می‌شوند و برخی امور مانند سفر تفریحی را کنشی مردانه در نظر می‌گیرند و در این رابطه، حقی برای خود قائل نمی‌شوند (Harrington et al, 1992). عرب‌مقدم و همکاران (۲۰۰۷) در بررسی خود درباره اوقات فراغت زنان شیراز، به این نتیجه رسیده‌اند که ساختار جامعه و سنت‌های فرهنگی از عوامل محدودکننده اوقات فراغت زنان در ایران بوده است.

وظایف نقشی زنانه

زنان به واسطه انتظارات نقشی که جامعه از آنها دارد، با نوعی محدودیت اجتماعی در زمینه اوقات فراغت مواجه‌اند. زنان در جامعه ایران به واسطه انتظاراتی که از آنان به عنوان همسر، مادر و... وجود دارد، کمتر فرصت این را پیدا می‌کنند که برای اوقات فراغت خود، برنامه داشته باشند (Khan, 2011). بولا و همکاران (۱۹۹۱) معتقدند که

ماهیت زندگی زنان مملو از مسئولیت‌هایی است که وقتی برای اوقات فراغت آنان باقی نمی‌ماند. از نظر آنان، زنان با نوعی احساس وظیفه مضاعف همراهند. آنها در روند جامعه‌پذیری خود، دیگران را در اولویت قرار می‌دهند و این امر باعث می‌شود زمانی را که می‌توانند صرف خود و اوقات فراغت خود نمایند، به نگره‌داری، مراقبت و خدمت دادن به دیگران پردازند. از این احساس مسئولیت درونی‌شده، با عنوان «اخلاق مراقبت» نام برده می‌شود (Henderson & Allen, 1991). جکسون و هندرسون (۲۰۱۵) با رد اثر جنسیت بیولوژیکی در محدودسازی اوقات فراغت زنان، معتقدند که کنترل اجتماعی و انتظارات نقشی از زنان در جامعه، عامل محدودکنندگی زنان در اوقات فراغتشان محسوب می‌شود.

در ایران، وظایف مراقبتی و خانه‌داری که به صورت سنتی بر دوش زنان قرار گرفته است، زمان کافی برای گذران اوقات فراغت و گردشگری را از آنها سلب می‌کند. زنان در مقایسه با مردان، زمان کمتری برای فعالیت‌های اختیاری دارند، زیرا بیشتر از مردان درگیر مسئولیت‌های مراقبتی‌اند. زنان اغلب درگیر کارهای خانه‌داری و نگره‌داری از کودکان در داخل یا خارج خانه هستند و بدین ترتیب زمان کمی برای سفرهای اختیاری دارند (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸؛ ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۰؛ شکرپیگی و رادین، ۱۳۹۵). یافته‌های دیگر پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تقسیم کار جنسیتی نابرابر برای زنان، نقش زیادی در ایجاد محدودیت‌های جدی در اوقات فراغت زنان دارد.

محدودیت‌های مالی

عامل تأثیرگذار دیگر در محدودسازی اوقات فراغت زنان، دسترسی محدود یا عدم دسترسی به منابع مالی است (Jackson & Henderson, 1995). وظایف مراقبتی، بخش زیادی از زمان زنان را می‌گیرد و این امر فرصت دستیابی به اشتغال بیرونی و کسب درآمد را از زنان می‌گیرد. به بیان دیگر، موقعیت خانه و کار خانگی، امکان اشتغال دائمی زنان را محدود می‌کند و همین امر باعث می‌شود که زنان از درآمد و دسترسی کافی به اوقات فراغت محروم باشند (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸؛ ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۰؛ عنایت و نره‌ای، ۱۳۹۳؛ Shaw, 1994). از آنجا که هزینه، تعیین‌کننده جدی برای نحوه

گذران اوقات فراغت محسوب می‌شود، دسترسی به منابع مالی می‌تواند به عنوان یکی از عوامل محدودکننده جدی مطرح شود. در جوامع سنتی و پدرسالار، زنان عموماً به لحاظ مالی وابسته به همسر خود هستند و در نتیجه، شیوه گذران اوقات فراغت آنان تحت کنترل مردان قرار می‌گیرد. از این‌رو سفرهای زنان نسبت به مردان، کوتاه‌تر و پیچیده‌تر است و عمدتاً نیاز به هماهنگی با سایر اعضای خانواده دارد (Lynch & Atkins, 1988).

از سوی دیگر، زنان شاغل به دلیل حجم مسئولیت‌های خانوادگی و شغلی، زمانی برای خود ندارند که به اوقات فراغت و سفر بپردازند. بدین معنی که زنان شاغل هرچند درآمد و استقلال مالی کافی دارند، به دلیل هنجار اخلاق مراقبت و انتظارات نقشی، نظیر مراقبت از کودکان و رسیدگی به امور منزل، همچنان فرصت کافی برای سفر ندارند (Shaw, 1994; Harrington et al, 1992). با این حال محدودیت‌های مالی در میان زنان به یکسان، اثر محدودکننده بر گردشگری و اوقات فراغت ندارد. پژوهش چیانگ و گوگراتنام (۲۰۰۶) که مقایسه‌ای بین جنسیتی و درون جنسیتی انجام داده است، عوامل زمینه‌ای مانند سن، جنسیت و تحصیلات را در میزان اوقات فراغت سنجیده است. زنان طبقه متوسط، توان مالی خوب و شبکه روابط اجتماعی مناسبی برای اوقات فراغت دارند. زنان جوان‌تر به دنبال ماجراجویی از طریق مسافرت هستند و زنان ۵۵ تا ۵۹ ساله، علاقه زیادی به سفرهای بین‌المللی دارند و علاقه خاصی به استراحت ندارند. همچنین زنان تحصیل کرده در تعطیلات به دنبال استراحت، معاشرت، تفریح با خانواده و خرید هستند. در مقایسه مردان و زنان در اوقات فراغت، مردان به دنبال ماجراجویی و زنان در جست‌وجوی تجارب فرهنگی و آموزشی هستند.

فضای مردانه در گردشگری

عامل جدی دیگری که به محدودسازی اوقات فراغت زنان منجر می‌شود، مردانه بودن فضای تسهیلات و تفریحات گردشگری است. بدین معنا که گاهی نوعی اوقات فراغت تنها برای مردان طراحی شده است و پیش‌بینی حضور زنان صورت نگرفته و یا نادیده انگاشته شده است (Shaw, 1994). زنان چه از لحاظ امکانات لازم برای اوقات فراغت و چه از نظر سهولت دسترسی به آنها، نسبت به مردان محدودیت بیشتری دارند. برخی از مقالات، عدم فعالیت و حضور زنان در برخی از اوقات فراغت را ناشی از فقدان

امکانات لازم بیان نموده و اشاره کرده‌اند که وجود یک مکان با خدمات برابر و عادلانه به زنان نسبت به مردان، باعث می‌شود که زنان، اوقات فراغت مطلوب‌تری داشته باشند (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸؛ صفاری، ۱۳۹۹؛ الهام‌پور و پاک‌سرشت، ۱۳۸۳؛ شکرپیگی و رادین، ۱۳۹۵؛ عنایت و نره‌ای، ۱۳۹۳).

تبیین نظری

به نظر می‌رسد که در پژوهش‌های داخلی و خارجی درباره اوقات فراغت زنان، عوامل مختلفی چون فقدان احساس امنیت، محدودیت‌های اجتماعی، انتظارات نقشی، فقدان امکانات ساختاری، محدودیت فیزیکی و محدودیت منابع مالی، نقش مؤثری بر محدودیت زنان در اوقات فراغت ایفا می‌کند.

انتظار می‌رود که زنان به دلیل احساس ناامنی بیشتر، وابستگی مالی و کم بودن قدرت اقتصادی، محدودیت‌های فرهنگی و هنجاری و نیز وظایف سنتی خانه‌داری، تجارب محدودتر و متفاوتی از اوقات فراغت و گردشگری نسبت به مردان داشته باشند. همچنین انتظار می‌رود که زنان به دلیل احساس ناامنی اخلاقی و جنسی، کمتر به تنهایی یا با دوستان صرفاً همجنس خود به سفرهای گردشگری بروند. در چنین سفرهایی، بیشتر از تور یا کاروان استفاده می‌کنند که امنیت بیشتری دارد و در انتخاب اقامتگاه و وسیله نقلیه، بیشتر آنهایی را انتخاب می‌کنند که رسمی‌تر باشد تا احتمال رخداد مزاحمت‌های جنسی و نظایر آن را کاهش دهند.

از سوی دیگر، وابستگی مالی زنان متأهل به شوهران یا پدرانشان و در نتیجه توانایی اقتصادی کمتر آنان نسبت به مردان، امکان هزینه‌کرد مستقل برای سفر را در آنان کاهش می‌دهد. به همین خاطر می‌توان انتظار داشت که سفرهای غیر خانوادگی زنان (تنهایی یا با دوستان)، به‌ویژه سفرهای خارجی آنان، کمتر از مردان باشد. در عین حال مؤید این فرضیه آن خواهد بود که زنان شاغل، به واسطه همان قدرت و استقلال اقتصادی، تجربه سفر بیشتری نسبت به زنان غیر شاغل (خانه‌دار) داشته باشند.

محدودیت‌های هنجاری و فرهنگی زنان، عامل محدودکننده دیگری در شیوه گذران اوقات فراغت زنان، از جمله گردشگری است. هنجارهای سنتی جامعه، سفرهای تنهایی یا با دوستان زن را ناپسند می‌شمارد و از ولیّ آنان (پدر/ شوهر) می‌خواهد تا آنان را در

این رابطه کنترل کنند. به همین خاطر، دختران و زنان کمتر می‌توانند اجازهٔ چنین سفرهایی را به‌ویژه برای تفریح و سیاحت صرف داشته باشند. در نتیجه آنها می‌کوشند تا از مسیرهای مشروع همین ساختار هنجاری، نیازها و خواست‌های گردشگری خود را تأمین کنند. دو قصد سفر زیارتی و دیدار اقوام در فضای هنجاری و فرهنگی جامعه معمولاً اهداف مشروع و پذیرفته‌شده‌ای هستند که می‌توان با استفاده از آنها، سفرهای گردشگری را توجیه کرد. به همین خاطر متوقع است که انگیزهٔ سفرهای تنهایی یا با دوستان زن، بیش از مردان و نیز زنان در سفرهای خانوادگی، این دو باشد. به‌ویژه قصد زیارت، عامل قدرتمندی در کسب مجوز سفرهای گردشگری از عوامل کنترل‌کنندهٔ اجتماعی است.

از آنجا که گردشگری، یکی از فعالیت‌های فراغتی است و افراد برای کسب راحتی و آسایشی بیش از آنچه در زندگی روزمره خود دارند، بدان می‌پردازند، انتظار می‌رود که زنان با محدود کردن انتخاب‌های خود، احساس امنیت کافی را که لازمهٔ آسایش این-چنین است، فراهم آورده باشند و در نتیجه، احساس امنیت کلی زنان در گردشگری، با مردان برابر و در سطح بالایی باشد. به عبارت دیگر زنان، محدودیت انتخاب‌های خود را هزینه می‌کنند تا احساس امنیت به دست آورند.

بر اساس تبیین نظری ارائه‌شده، فرضیه‌های زیر مورد بررسی و آزمون قرار می‌گیرد:

- زنان کمتر از مردان، تجربه سفر داخلی و خارجی دارند.
- زنان کمتر از مردان به سفرهای تنهایی یا با دوستان خود اقدام می‌کنند.
- زنان شاغل بیشتر از زنان خانه دار، تجربهٔ سفر داخلی و خارجی دارند.
- زنان در سفرهای تنهایی یا با دوستان خود، نسبت به مردان و زنان در سفرهای خانوادگی،

- بیشتر از تور یا کاروان استفاده می‌کنند.
- کمتر در چادر یا منازل اجاره‌ای غیر رسمی اقامت می‌کنند.
- کمتر با خودروی شخصی سفر می‌کنند.
- بیشتر به قصد زیارت و دیدار اقوام و خویشان سفر می‌کنند.
- احساس امنیتی برابر را در مقصد و اقامتگاه تجربه می‌کنند.
- کمتر تجربه سفر داخلی و خارجی دارند.

روش تحقیق

در این مقاله سعی بر آن است تا با استفاده از روش تحلیل ثانویه، بر اساس داده‌های موجود، گردشگری زنان مورد بررسی قرار گیرد. داده‌های مورد استفاده از پیمایش ملی ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارشناسی گردشگری ایران که در مهرماه سال ۱۳۹۶ با ۵۰۰۹ نمونه به انجام رسیده، برداشت شده است.

نمونه‌گیری پیمایش به صورت طبقه‌ای چندمرحله‌ای و شامل تمامی استان‌های کشور و نیز نقاط شهری و روستایی بوده است.

از داده‌های پیمایش یادشده، از متغیرهای تعداد سفرهای داخلی در یکسال گذشته، تعداد سفرهای خارجی تاکنون و درباره سفر یکسال اخیر آنان، متغیرهای همسفران، انگیزه سفر، اقامتگاه سفر، وسیل نقلیه سفر، مدیریت سفر (تور/ شخصی)، تأمین‌کننده هزینه سفر، نگرانی در مقصد سفر، نگرانی در اقامتگاه استفاده شده است. همچنین از متغیرهای زمینه‌ای جنسیت، گروه سنی، تحصیلات، وضعیت فعالیت و وضعیت تأهل استفاده شده است.

از آنجا که داده‌ها از نوع نسبی بر اساس فراوانی فعالیت‌ها بوده‌اند، مقایسه‌ها مبتنی بر جداول تقاطعی و آزمون آماری استنباطی Z برای بررسی معنی‌داری تفاوت نسبت‌ها انجام شده است.

یافته‌ها

سیمای پاسخگویان

۵۰.۵ درصد پاسخگویان، زن و ۴۹.۵ درصد آنان، مرد بوده‌اند. ۲۰.۶ درصد زنان (در مقابل ۳۲.۱ درصد مردان)، مجرد بوده و ۷۲.۳ درصد زنان (در مقابل ۶۷.۰ درصد مردان) نیز متأهل بوده‌اند. همچنین ۶.۰ درصد آنان (در مقابل ۰.۶ درصد مردان) همسر فوت‌شده و ۱.۱ درصد (در مقابل ۰.۳ درصد مردان) جداشده بوده‌اند. ۱۶.۹ درصد زنان (در مقابل ۱۸.۸ درصد مردان) در رده سنی ۱۵ تا ۲۴ سال، ۲۷.۵ درصد آنان (در مقابل ۲۶.۹ درصد مردان) در گروه سنی ۲۵ تا ۳۴ سال، ۲۲.۹ درصد (در مقابل ۲۱.۶ درصد مردان) در بازه سنی ۳۵ تا ۴۴ سال، ۱۶.۶ درصد زنان (در مقابل ۱۴.۹ درصد مردان) در رده ۴۵ تا ۵۴ سال و ۱۶.۲ درصد آنان (در مقابل ۱۷.۸ درصد مردان) در گروه سنی ۵۵

سال و بالاتر قرار داشته‌اند. ۱۰.۵ درصد زنان (در مقابل ۵.۱ درصد مردان) بیسواد، ۱۹.۵ درصد آنان (در مقابل ۱۳.۴ درصد مردان) دارای تحصیلات ابتدایی و ۱۵.۴ درصد (در مقابل ۱۸.۲ درصد مردان) تحصیلات راهنمایی داشته‌اند. همچنین ۲۹.۱ درصد زنان (در مقابل ۳۲.۸ درصد مردان) تحصیلات دیپلم، ۲۱.۸ درصد (در مقابل ۲۴.۹ درصد مردان) کاردانی و کارشناسی و ۳.۶ درصد زنان (در مقابل ۵.۴۵ درصد مردان) دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترا بوده‌اند. به لحاظ نوع فعالیت، ۶۹.۳ درصد زنان (در مقابل ۲.۵ درصد مردان) خانه‌دار بوده‌اند. ۱۲.۸ درصد زنان (در مقابل ۵۹.۷ درصد مردان) نیز شاغل بوده‌اند.

آزمون فرضیه‌ها

۱- زنان، تجربه سفر داخلی و خارجی کمتری نسبت به مردان دارند.

جدول ۱- پاسخگویان بر اساس تجربه سفر

تجربه سفر	زنان	مردان
داخلی	۸۰.۰	۶.۷۹
خارجی	۲۳.۷	۲.۲۸
حجم نمونه	۲۵۳۱	۲۴۷۸

نتایج آزمون Z، تفاوت معنی‌داری را میان تجربه سفر داخلی زنان و مردان نشان نداد. اما تجربه سفرهای خارجی زنان به طور معنی‌داری از سفرهای خارجی مردان، کمتر بود ($p\text{-value}=0.000$).

۲- زنان کمتر از مردان به سفرهای تنهایی یا با دوستان خود اقدام می‌کنند.

جدول ۲- پاسخگویان بر حسب همراهان در سفر به تفکیک جنسیت

همسفر	زن			مرد		
	تنهایی	دوستان/ همکاران	خانواده/ خویشاوندان	تنهایی	دوستان/ همکاران	خانواده/ خویشاوندان
درصد	۴.۳	۸.۴	۸.۷۱	۳.۸	۶.۱۲	۸.۵۸
حجم نمونه	۸۶	۱۲۱	۱۸۱۸	۲۰۶	۳۱۱	۱۴۵۶

آزمون Z، تفاوت معنی‌داری میان نسبت زنانی که به تنهایی سفر کرده‌اند با مردانی که اینگونه به سفر رفته‌اند، نشان نداد (p-value=0.065). اما زنان به طور معناداری کمتر از مردان با دوستان و همکاران خود به سفر رفته‌اند (p-value=0.009). همچنین زنان به طور معناداری بیش از مردان با خانواده و خویشاوندان خود به سفر رفته‌اند (p-value=0.000).

۳- زنان شاغل تجربه سفر داخلی و خارجی بیشتری نسبت به زنان خانه دار دارند.

جدول ۳- فراوانی افراد دارای تجربه سفر خارجی در طول عمر و تجربه سفر داخلی در یک سال گذشته

تجربه سفر	زنان شاغل	زنان خانه‌دار
داخلی	۳.۸۷	۷.۷۷
خارجی	۷.۳۰	۹.۲۳
حجم نمونه	۳۲۳	۱۷۵۵

نتایج آزمون Z برای نسبت‌های مستقل با حجم نابرابر نشان می‌دهد که زنان شاغل به طور معناداری از زنان خانه‌دار، تجربه سفرهای داخلی و خارجی بیشتری داشته‌اند (p-value < 0.01).

۴- زنان در سفرهای تنهایی یا با دوستان خود، نسبت به مردان و نیز زنان در سفرهای خانوادگی، بیشتر از تور یا کاروان استفاده می‌کنند.

جدول ۴- پاسخگویان بر اساس استفاده از تور یا وسیله شخصی در سفر

تور / کاروان	زن			مرد		
	تنهایی	دوستان / همکاران	خانواده / خویشاوندان	تنهایی	دوستان / همکاران	خانواده / خویشاوندان
تور / کاروان	۰.۱۴	۸.۴۳	۵.۳	۹.۱	۳.۱۱	۳.۲
شخصی	۰.۸۶	۲.۵۶	۵.۹۶	۱.۹۸	۷.۸۸	۷.۹۷
حجم نمونه	۸۶	۱۲۱	۱۸۱۸	۲۰۶	۳۱۱	۱۴۵۶

نتایج آزمون Z نشان می‌دهد که میزان استفاده از تور یا کاروان در سفرهای تنهایی یا با دوستان و همکاران زنان، به طور معناداری از سفرهای زنان با خانواده و خویشاوندان ($p\text{-value}=0.000$) و نیز سفرهای مشابه مردان (تنهایی و با دوستان و همکاران) بیشتر است ($p\text{-value}=0.000$).

۵- زنان در سفرهای تنهایی یا با دوستان خود، نسبت به مردان و نیز زنان در سفرهای خانوادگی، کمتر در چادر یا منازل اجاره‌ای غیر رسمی اقامت می‌کنند.

جدول ۵- پاسخگویان بر حسب شیوه اسکان در سفر

مرد			زن			اقامتگاه
خانواده/ خویشاوندان	دوستان/ همکاران	تنهایی	خانواده/ خویشاوندان	دوستان/ همکاران	تنهایی	
۵.۱۱	۶.۱۹	۹.۳	۹.۱۱	۶.۶	۵.۳	چادر/ کمپ
۳.۴۷	۳.۱۸	۲.۶۱	۸.۵۰	۵.۱۶	۴.۷۴	خانه اقوام و دوستان
۰.۱۰	۸.۱۴	۹.۲	۶.۹	۹.۹	۳.۲	خانه یا ویلای اجاره‌ای
۶.۵	۴.۸	۸.۶	۶.۴	۶.۱۱	۵.۳	مسافرخانه
۱.۴	۲.۴	۹.۳	۶.۴	۲.۱۳	۷.۴	مهمان‌سرای دولتی یا شرکتی/ زائر سرا
۱۱.۳	۱۷.۳	۷.۷	۱۰.۲	۲۲.۳	۷.۰	هتل و هتل آپارتمان

نتایج آزمون Z، تفاوت معنی‌داری میان بیتوته در چادر/ کمپ در میان زنان تنها در مقایسه با مردان تنها نشان نداد. به نظر می‌رسد که هم زنان و هم مردان در سفرهای تنهایی، کمتر تصمیم به اقامت در چادر می‌گیرند.

اما زنان در سفرهای با دوستان و همکاران خود به طور معنادار کمتر از مردان در سفرهای مشابه اقدام به اقامت در چادر یا کمپ می‌نمایند ($p\text{-value}=0.000$). نکته مؤید این فرضیه آن است که انتخاب چادر به عنوان اقامتگاه در سفرهای زنان با خانواده و خویشاوندان خود، تفاوت معناداری با سفرهای مشابه مردان نداشت.

در استفاده از خانه یا ویلای اجاره‌ای، تفاوت‌ها در هیچ کدام از سه گروه سفرهای تنهایی، با دوستان و همکاران و با خانواده و خویشاوندان، معنی‌دار نشد. هرچند تفاوت

استفاده از مسیرهای جانبی: استراتژی‌های ...؛ حامد بخشی و همکار / ۱۴۵

میان استفاده زنان در سفرهای با دوستان و آشنایان، کمتر از سفرهای مشابه مردان است، کم بودن حجم نمونه مربوط به این دو گروه موجب شد تا تفاوت بین این دو، معنی‌دار نشود.

۶- زنان در سفرهای تنهایی یا با دوستان خود، نسبت به مردان و نیز زنان در سفرهای خانوادگی، کمتر با خودروی شخصی سفر می‌کنند.

جدول ۶- پاسخگویان بر حسب نوع وسیله نقلیه در سفر

وسيله نقلیه	زن			مرد		
	تنهایی	دوستان/ همکاران	خانواده/ خویشاوندان	تنهایی	دوستان/ همکاران	خانواده/ خویشاوندان
خودروی شخصی	۴.۱۷	۴.۳۱	۱.۷۴	۹.۳۶	۴.۷۰	۹.۸۰
اتوبوس	۰.۵۷	۴.۵۵	۳.۱۳	۷.۴۱	۷.۱۶	۵.۹
هواپیما	۳.۹	۱.۴	۷.۴	۳.۸	۲.۳	۷.۳
قطار	۱.۸	۶.۶	۶.۳	۹.۲	۱.۵	۰.۳

میزان استفاده زنان از خودروی شخصی در سفرهای تنهایی ($p\text{-value}=0.001$) یا با دوستان و همکاران ($p\text{-value}=0.000$) از سفرهای مشابه مردان، به طور معناداری کمتر بوده است. زنان در سفرهای تنهایی یا با دوستان و همکاران خود، بیشتر از اتوبوس استفاده کرده‌اند، در حالی که وسیله نقلیه غالب مردان در سفرهای این‌چنینی، خودروی شخصی بوده است.

۷- زنان در سفرهای تنهایی یا با دوستان خود، نسبت به مردان و نیز زنان در سفرهای خانوادگی، بیشتر به قصد زیارت و دیدار اقوام و خویشان سفر می‌کنند.

جدول ۷- پاسخگویان بر حسب اهداف و انگیزه سفر

انگیزه سفر	زن			مرد		
	تنهایی	دوستان/ همکاران	خانواده/ خویشاوندان	تنها یی	دوستان/ همکاران	خانواده/ خویشاوندان
تفریح و سیاحت	۵.۱۰	۸.۴۸	۷.۳۴	۹.۱۹	۶.۶۵	۹.۳۸

۵.۴	۶.۰	۴.۴	۱.۴	۷.۱	۵.۳	درمانی
۲.۳۷	۵.۵	۶.۳۱	۲.۴۱	۸.۵	۳.۵۹	دیدار اقوام و آشنایان
۹.۱۶	۲.۱۲	۳.۶	۵.۱۸	۷.۳۴	۰.۱۴	زیارت
۱.۰	۰.۱	۵.۰	۱.۰	۵.۲	۲.۱	سایر
۴.۲	۱.۱۵	۴.۳۷	۴.۱	۶.۶	۶.۱۱	کار و تجارت

انگیزه تفریح و سیاحت در میان زنانی که تنها ($p\text{-value}=0.026$) یا با دوستان و همکاران خود ($p\text{-value}=0.001$) به سفر رفته‌اند، به طور معناداری از مردان در سفرهای مشابه، کمتر بوده است.

انگیزه زیارت در زنانی که تنها ($p\text{-value}=0.016$) یا با دوستان و همکاران خود ($p\text{-value}=0.000$) سفر کرده‌اند، از مردان در سفرهای مشابه به طور معناداری بیشتر بوده است.

انگیزه دیدار اقوام و آشنایان در زنانی که تنها ($p\text{-value}=0.000$) سفر کرده‌اند، از سفرهای مشابه مردان به طور معناداری بیشتر بوده است. ولی این انگیزه در سفرهای زنان با دوستان و همکاران خود، تفاوت معناداری با سفرهای مشابه مردان نداشته است. ۸- زنان در سفرهای تنهایی یا با دوستان خود، نسبت به مردان و نیز زنان در سفرهای خانوادگی، احساس امنیتی برابر را در مقصد تجربه می‌کنند.

جدول ۸- پاسخگویان بر حسب نگرانیهای ابراز شده در مقصد

مرد			زن			نگرانی در مقصد
خانواده/ خویشاوندان	دوستان/ همکاران	تنهایی	خانواده/ خویشاوندان	دوستان/ همکاران	تنهایی	
۱.۱	۲.۱	۲.۱	۰.۱	۵.۱	۸.۰	دزدیده شدن وسایل
۷.۰	۹.۰	۷.۰	۷.۰	۲.۱	۷.۰	مزاحمت اخلاقی
۷.۰	۸.۰	۷.۰	۶.۰	۰.۱	۷.۰	حمله غریبه‌ها
۹.۰	۰.۱	۹.۰	۰.۱	۳.۱	۰.۱	حادثه

نتایج آزمون t برای دو نمونه مستقل با واریانس‌های نامساوی در جامعه، تفاوت معنی‌داری بین میانگین احساس نگرانی زنان و مردان به تفکیک همسفران در میان زنان و مردان نشان نداد.

بحث و جمع‌بندی

فرضیه اصلی هدایت‌کننده این مقاله آن بود که زنان به دلیل محدودیت‌های هنجاری و فرهنگی، احساس امنیت کمتر در محیط‌های یکسان گردشگری، وظایف نقشی سنتی همسرداری و مادری و قدرت اقتصادی کمتر (به دلیل وابستگی اقتصادی و فقدان درآمد مستقل)، تجربه نابرابری از گذران اوقات فراغت به‌ویژه گردشگری، نسبت به مردان دارند. این تجربه نابرابر در میزان سفرهای گردشگری و محدودیت‌های عمل آنان در انگیزه سفر، انتخاب همسفران، اقامتگاه، وسیله نقلیه و استفاده یا عدم استفاده از توره‌های گردشگری نمایانگر می‌شود.

برای آزمون این فرضیه، از تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ملی ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارشناسی گردشگری ایران استفاده شد. متغیرهای مربوط به رفتار و انگیزه سفر از داده‌ها استخراج شد و انتخاب‌های زنانی که به تنهایی یا با دوستان و همسفران خود به سفر رفته بودند، با مردانی که به همان شیوه سفر کرده بودند، مقایسه شد. از آنجا که در داده‌های پیمایش، پرسشی مبنی بر جنسیت همسفران وجود نداشت، تک‌جنسیتی بودن سفرهای با دوستان و همکاران مفروض گرفته شد. هرچند این فرض قطعاً نمی‌تواند درباره تمامی سفرهای این‌چنینی صحیح باشد و بسیاری از سفرهای دوستانه ممکن است شامل هم مردان و هم زنان بشود، با در نظر گرفتن محدودیت‌های فرهنگی و هنجاری که همچنان بر بخش عمده‌ای از کشور حاکم است، به نظر می‌رسد این فرض درباره سفرهای با دوستان و همکاران، چندان دور از واقع نباشد. همچنین در مقایسه سفرهای زنان با مردان، سفرهای با خانواده و خویشاوندان زنان کنار گذاشته شد. از آنجا که در این سفرها، زنان عمدتاً همراه با پدر یا همسر خود سفر می‌کنند، انتخاب‌های گردشگری مشمول محدودیت‌های ذکر شده نمی‌شود و انتظار نمی‌توان داشت که چنین سفرهایی برای زنان، محدودیت‌هایی را ایجاد کند. نتایج یافته‌ها نیز عدم تفاوت معنی‌دار در سفرهای با خانواده و خویشاوندان زنان و مردان را در تمامی جنبه‌های سفر نشان داد.

اولین فرضیه مقاله که مدعی کمتر بودن سفرهای زنان نسبت به مردان بود، در حوزه سفرهای داخلی تأیید نشد؛ هرچند در سفرهای خارجی از آزمون رد عبور کرد. در واقع برخلاف فرضیه تحقیق، زنان در عرصه سفرهای داخل کشور، تجربه سفر نسبتاً برابری با مردان داشته‌اند. این در حالی است که زنان کمتر از مردان با دوستان خود به سفر رفته بودند. اما آنان با افزایش سفرهای خود به همراه خانواده و خویشاوندان، این کاستی را جبران کرده بودند. در حالی که ۵۸.۸ درصد مردان در یکسال منتهی به پیمایش با خانواده و خویشان خود به سفر رفته بودند، ۷۱.۸ زنان، چنین سفرهایی داشته‌اند. در واقع به نظر می‌رسد که زنان با تغییر شکل سفرهای خود (از تک‌جنسیتی به خانوادگی) و سازگار کردن آن با محدودیت‌های هنجاری و ساختاری، به تجربه نسبتاً برابری با مردان دست یازیده‌اند. با این حال آنان در سفرهای خارجی که محدودیت‌های مالی و ساختاری بیشتری وجود دارد، تجربه کمتری نسبت به مردان داشته‌اند. به نظر می‌رسد که محدودیت‌های مالی زنان در کمتر بودن تجربه سفرهای خارجی آنان، نقش کلیدی را داشته باشد؛ زیرا تجربه سفر خارجی زنان شاغل از زنان خانه‌دار بیشتر بوده و تفاوت معناداری با مردان شاغل نداشته است. این نتیجه‌گیری با یافته‌های پژوهش‌های رضازاده و محمدی (۱۳۸۸)، ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۰)، عنایت و نره‌ای (۱۳۹۳)، جکسون و هندرسون (۲۰۱۵) و هندرسون و آلن (۱۹۹۱) هم‌خوانی دارد.

مجموعه دیگری از فرضیه‌ها بر پایه این استدلال بود که زنان برای تأمین امنیت سفر خود، گزینه‌های سفر خود را محدود می‌کنند و سعی می‌کنند بیشتر از خدمات گردشگری رسمی‌تر استفاده کنند که حاشیه امنیتی بیشتری دارد. یافته‌های تحقیق مؤید این بود که زنان در سفرهای تنهایی یا با دوستان و همکاران خود، بیشتر از تور یا کاروان و کمتر از خودروی شخصی استفاده می‌کنند. همچنین زنان در سفرهای با دوستان و همکاران، کمتر در چادر یا کمپ بیتوته می‌کنند. اما تفاوت معنی‌داری میان میزان اقامت در چادر یا کمپ میان سفرهای زنان و مردان تنها مشاهده نشد. احتمالاً بدین خاطر که اساساً چادر در هیچ‌کدام از دو جنس، اقامتگاه مطلوب برای سفرهای تنهایی تلقی نمی‌شد و به‌ویژه در مناطق باز در هر دو جنس، احساس ناامنی برمی‌انگیخت.

همچنین برخلاف فرضیه مطرح‌شده، تفاوت معنی‌داری میان استفاده زنان و مردان، تنها یا با دوستان و همکاران، در اقامت در منازل و ویلاهای اجاره‌ای وجود نداشت. به

نظر می‌رسد زنان و مردانی که تنها سفر می‌کنند، اقامت در منازل اجاره‌ای برایشان مطلوبیتی ندارد؛ زیرا در هر دو گروه، میزان اقامت در این سکونتگاه‌ها اندک بود (کمتر از ۳ درصد). همچنین در سفرهای تک‌جنسیتی با دوستان و همکاران نیز به نظر می‌رسد که منازل اجاره‌ای واجد امنیت کافی قلمداد می‌شوند و در نتیجه زنان از اقامت در آنها پروایی ندارند. با این حال یافته‌های مربوط به احساس امنیت در مقصد گردشگری نشان داد که تفاوت معنی‌داری میان احساس امنیت زنان و مردان در سفر وجود ندارد. به نظر می‌رسد که زنان با انتخاب گزینه‌های رسمی‌تر و کم‌خطرتر، سفر خود را به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌کنند که احساس امنیت کافی را در آن داشته باشند. این نکته، تأییدکننده دریافت‌های امیر و همکاران (۲۰۱۵) و بارکر و پیچ (۲۰۰۲) مبنی بر ترجیح زنان به داشتن همراه در سفر برای حفظ امنیت می‌باشد.

انتظار می‌رفت که محدودیت‌های فرهنگی و هنجاری جامعه، نوع سفرهای گردشگری تک‌جنسیتی زنان را به لحاظ هدف و انگیزه سفر تحت تأثیر قرار دهد و آنان را عمدتاً به سوی سفرهای پذیرفته‌شده اجتماعی برای آنان سوق دهد. یافته‌های تحقیق، این فرضیه را تأیید کرد. این نکته در پژوهش‌های هادسون (۲۰۰۰)، چیانگ و گوگرتام (۲۰۰۶) و جکسون و هندرسون (۲۰۱۵) تأکید شده است؛ به طوری که سفرهای تفریحی و سیاحتی تک‌جنسیتی زنان به طور معناداری از مردان کمتر بود. در مقابل، سفرهای تک‌جنسیتی زیارتی زنان به طور معناداری بیش از مردان بود. پژوهش هرینگتون و همکاران (۱۹۹۲) نیز درباره اینکه در جوامع مختلف، سفر تفریحی عمدتاً کنشی مردانه در نظر گرفته می‌شود، با این نتیجه همراهی می‌کند. درباره دیدار اقوام و خویشان، هرچند سفرهای زنان تنها بیش از مردان بود، زنان با همکاران و دوستان خود، همانند مردان، کمتر به انگیزه دیدار اقوام و خویشان سفر کرده بودند و به جای آن بیشتر به سفرهای زیارتی رفته بودند. احتمالاً به این دلیل که سفر با دوستان و همکاران، تناسبی با دیدار اقوام و خویشان ندارد.

در مجموع به نظر می‌رسد که زنان کوشیده‌اند تا با انتخاب گزینه‌های سازگار با محدودیت‌های هنجاری و ساختاری اجتماعی، تجربه و احساس امنیت نسبتاً برابری را با مردان به دست آورند. برای نیل به برابری در تجربه سفر، زنان به سفرهای خانوادگی بیشتری نسبت به مردان می‌روند و برای کسب احساس امنیت کافی، از گزینه‌های سفر

رسمی‌تر و ایمن‌تری استفاده می‌کنند. همچنین برای فائق آمدن بر محدودیت‌های هنجاری و فرهنگی، سفرهای زیارتی و دیدار اقوام و خویشان را جایگزین سفرهای تفریحی و سیاحتی نموده‌اند.

بررسی حاضر نشان داد که زنان در ایران عملاً گزینه‌های محدودتری برای تجربه گردشگری داشته‌اند. با این حال آنها با سازگار کردن خود با این محدودیت‌ها کوشیده‌اند تا فراوانی تجربه‌های گردشگری‌شان، کاستی‌چندانی از تجربه‌های مردان نداشته باشد. مبتنی بر یافته‌های تحقیق به نظر می‌رسد که می‌توان در ضمن تلاش برای تغییر و اصلاح محدودیت‌های هنجاری زنان، از ظرفیت‌های فرهنگی مشروع‌ساز سفرهای گردشگری برای آنان استفاده نمود.

منابع

- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد (۱۳۴۵) دیوان حافظ، به اهتمام سید ابوالقاسم انجوی شیرازی، ابراهیمی، قربانعلی و نادر رازقی، رقیه مسلمی پطروودی (۱۳۹۰) «اوقات فراغت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۴، صص ۷۱-۹۸.
- الهام‌پور، ح و م پاک‌سرشت (۱۳۸۳) «بررسی الگوی گذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه شهید چمران»، علوم تربیتی و روانشناسی، شماره، صص ۳۹-۶۲.
- بخشی، حامد، و فائزه اعظم کاری (۱۳۹۴) «بررسی احساس امنیت گردشگران مذهبی در اماکن فراغتی (مورد مطالعه، شهر مشهد)»، مطالعات اجتماعی گردشگری، شماره ۵ سال سوم، صص ۱۵۱-۱۸۹.
- رضازاده، ر و م محمدی (۱۳۸۸) «بررسی عوامل محدودکننده حضور زنان در فضاهای شهری»، معماری و شهرسازی، شماره، صص ۱۰۵-۱۱۴.
- رضایی خرم‌آبادی، ح و دیگران (۱۳۹۸) «ارزیابی رابطه امنیت و اوقات فراغت در فضاهای سبز شهری (نمونه موردی، پارک‌های ناحیه‌ای هر یزد)»، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، شماره، صص ۸۷-۱۲۱.
- روجک، ک (۱۳۹۳) نظریه فراغت (اصول و تجربه‌ها) ترجمه ع مخبر، تهران، شهر.
- شکریگی، ع و پ رادین (۱۳۹۵) «بررسی عوامل مرتبط با احساس ناامنی اجتماعی زنان در فضاهای شهری (با تأکید بر ویژگی‌های کالبدی شهری)»، مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، شماره، صص ۸۷-۱۲۶.
- صفاری، م (۱۳۹۹) «مدل‌یابی روابط ساختاری اوقات فراغت جدی، هویت و وابستگی مکانی زنان»، زن و جامعه، شماره، صص ۱۳۵-۱۵۴.
- عبدلی، ا و دیگران (۱۳۹۳) «تحلیلی بر میزان احساس امنیت گردشگران شهری (مطالعه موردی، گردشگران داخلی شهر اصفهان)»، جغرافیا و برنامه‌ریزی، شماره، صص ۲۳۵-۲۵۷.
- عنایت، ح و ن نره‌ای (۱۳۹۳) «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با میزان نحوه گذران اوقات فراغت زنان (مطالعه موردی، زنان متأهل شاغل شهر نورآباد ممسنی)»، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، شماره، صص ۳۱-۵۵.
- هی‌وود، ل (۱۳۸۰) اوقات فراغت، ترجمه م احسانی، تهران، امید دانش.

- Arab-moghadam, n., henderson, k, A., & sheikholeslami, r, (2007) Women's Leisure and Constraints to Participation, Iranian Perspectives, Journal of Leisure Research, 109-126.
- Chiang, c.-y., & Gogaratnam, G, (2006) Why do women travel solo for purposes of leisure? Journal of vacation marketing, 59-70.
- Crawford, D, W., & Godbey, G, (1987) Reconceptualizing barriers to family leisure, Leisure sciences, 9(2), 119-127.
- Crawford, D, W., Jackson, E, L., & Godbey, G, (1991) A hierarchical model of leisure constraints, Leisure sciences, 13(4), 309-320, doi, 10.1080/01490409109513147.
- Harrington, M., Dawson, D., & Bolla, P, (1992) Objective and subjective constraints on women's enjoyment of leisure, Loisir et société/Society and Leisure, 15(1), 203-221.
- Henderson, K, A., & Allen, K, R, (1991) The Ethic of Care, Leisure Possibilities and Constraints for Women, Loisir et Société / Society and Leisure, 14(1), 97-113, doi, 10.1080/07053436.1991.10715374.
- Hudson, S, (2000) The segmentation of potential tourists, Constraint differences between men and women, Journal of Travel Research, 38(4), 363-368.
- Jackson, E, L., & Henderson, K, A, (1995) Gender-based analysis of leisure constraints, Leisure sciences, 17(1), 31-51.
- Karagöz, D., Işık, C., Dogru, T., & Zhang, L, (2021) Solo female travel risks, anxiety and travel intentions, Examining the moderating role of online psychological-social support, Current Issues in Tourism, 24(11), 1595-1612.
- Khan, M, J., Chelliah, S., Khan, F., & Amin, S, (2019) Perceived risks, travel constraints and visit intention of young women travelers, the moderating role of travel motivation, Tourism Review.
- Khan, S (2011) Gendered leisure, are women more constrained in travel for leisure? Tourismos, 6(1).
- Lynch, G., & Atkins, S, (1988) The influence of personal security fears on women's travel patterns, Transportation, 15(3), 257-277.
- Mawby, R., Brunt, P., & Hambly, Z, (2000) Fear of crime among British holidaymakers, British Journal of Criminology, 40(3), 468-479.
- Ratthinan, S, P., & Selamat, N, H, (2019) Negotiating travel constraints via technology, A study of Malay Muslim women through a hierarchical constraint model perspective, Asian Journal of Business Research, 9(2), 55.
- Samdahl, D, M., & Jekubovich, n, J, (1997) A critique of leisure constraints, Comparative analyses and understandings, leisure Research, 430-452.
- Seow, D., & Brown, L, (2018) The solo female Asian tourist, Current Issues in Tourism, 21(10), 1187-1206.
- Shaw, S, M, (1994) Gender, leisure, and constraint, Towards a framework for the analysis of women's leisure, Journal of leisure research, 26(1), 8-22.
- (1996) UNWTO, Tourism Highlights, 1969 edition
- Wilson, E., & Little, D, E, (2005) A “relative escape”? The impact of constraints on women who travel solo, Tourism Review International, 9(2), 155-175.